میراث

رونمایی از قرآن نفیس در موزه آستان قدس رضوی

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی از یکی دیگر از آثار نفیس خود رونمایی کرد؛ قرآن نفیس خطی و طلاکاری‌شده به دست خط وصال شیرازی و رحل قرآن با روکش طلا اهدایی قوام‌الملک شیرازی.

به گزارش جام‌جم، رئیس گروه مطالعات و معرفی آثار موزه آستان قدس رضوی در ارتباط با قرآن نفیس رونمایی‌شده گفت: این قرآن نفیس به‌صورت کامل است و در دور قاجار به دست محمدشفیع شیرازی، متخلص به وصال، سال ۱۲۶۵ هجری قمری کتابت و توسط علی شریف، متخلص به ظریف سال ۱۲۶۹هجری قمری حاشیه‌نویسی شده. ابعاد این قرآن ۲۲/۵ × ۳۴/۷ سانتی‌متر است.

حشمت کفیلی با بیان این‌که تمام صفحات این نسخه از قرآن کریم، مذهَّب و مرصع است، به وجود وقف‌نامه و چند یادداشت در این قرآن اشاره کرد. رحل چوبی با روکش طلا و میناکاری شده دیگر اثر نفیس رونمایی‌شده بود که کفیلی آن را بسیار نفیس و چشم‌نواز توصیف کرد و گفت: این رحل چوبی از دولت متصل به هم تشکیل‌شده و با روکشی از طلا پوشانده و با تکنیک میناکاری آراسته شده است. در سطح بیرونی هر لت در یک قاب حاشیه‌دار نقش یک ترنج متصل به دوسرترنج، کتیبه وقف نوشته شده و اطراف آن نیز با نقوش برجسته گل ومرغ قلم‌زنی و میناکاری شده است. موزه‌های آستان قدس رضوی در صحن کوثر حرم مطهر واقع شده است.

برای ثبت اماکن ارزشی دوران دفاع‌مقدس همکاری می‌کنیم

بی‌شک یکی از میراث‌های ارزشمند این سرزمین که باید برای نسل‌های آینده بماند، میراث جنگ و دفاع مقدس است؛ میراثی که تاکنون خوب حفظ و پاسداری نشده اما سیدحکمت‌ا... موسوی، مدیرکل میراث‌فرهنگی خوزستان در نشست مشترک با سردار عباس یوسفی، مدیرکل بنیاد حفظ و آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس بر تداوم همکاری مشترک در راستای معرفی هرچه بیشتر اماکن و رخدادهای ارزشی خوزستان تأکید کرد و گفت: همه جغرافیای خوزستان ظرفیت و قابلیت ثبت و ضبط رخدادهای ارزشی برای تاریخ را دارد. موسوی از آمادگی اداره‌کل میراث استان برای همکاری در ثبت مکان‌رخدادهایی که میزبان اتفاقات ممتازی در دوران دفاع‌مقدس بوده‌اند، خبر داد و افزود: اقدامات شایسته‌ای دراین‌خصوص انجام شده اما به هیچ‌وقت کافی نیست و ما مشتاق هستیم با همکاری اداره‌کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس خوزستان در راستای ثبت ماندگار اماکن معنوی و ارزشی دوران جنگ به‌خصوص در شهرهای مرزی اقدامات لازم را به انجام برسانیم. /جام‌جم‌دیلی

اسکندر رئیسی یک دوستدار محیط‌زیست واقعی است. او برای کمک به حیات وحش یک راه عجیب را انتخاب کرده است

گفت‌وگوی اختصاصی جام‌جم با اسکندر رئیسی
مردی که از سال‌ها پیش برای گرگ‌های گرسنه نان می‌بَرد

پدرخوانده مهربان گرگ‌ها

مینا مولایی

ایران

درچهارمحال و بختیاری، جایی حوالی اردل، یک قهرمان زندگی می‌کند؛ مردی که شاید خیلی‌ها اسمش را هم نشنیده باشند. او اما سال‌های سال است که به نیت انجام کار خیر، با یک کوله برزنتی کرم رنگ پا به کوه و کمر می‌گذارد. کوله آقای اسکندر رئیسی اردلی، همیشه و همه جا پر از نان است؛ نان‌هایی که در تمام این سال‌ها، خوراک گرگ‌های گرسنه شده‌است. حکایت دوستی عمیق گرگ‌ها و آقا اسکندر از همین جا شروع می‌شود؛ این دوستی عجیب که از نگاه خیلی‌ها باورنکردنی است، برای این مرد ۶۷ساله که بازنشسته جهاد کشاورزی اردل هم هست، حالا دیگر به یک عادت همیشگی تبدیل شده، آنقدر که هربار که عاملی مانع رفتن او سرقرار همیشگی‌اش با گرگ‌ها بشود، دلش شورِ گرسنگی حیواناتی را بزند که در باور عموم، وحشی لقب گرفته‌اند. آقا اسکندر اما برای این کار خیرش، یک دلیل بزرگ دارد؛ او می‌گوید: «خدای ما آدم‌ها، خدای گرگ‌ها هم هست.»

رئیسی اردلی: خیلی‌ها به من می‌گویند که اسکندر، با خودت یک سلاح ببر شاید گرگ‌ها به تو حمله کنند اما من حتی یک بار هم یک چاقو با خودم نبرده‌ام چون باور کرده‌ام که گرگ‌ها دوست من شده‌اند

فکر کنم هرکسی این مصاحبه را بخواند از دوستی شما و گرگ‌ها تعجب کند، حتما از این واکنش‌ها در اطرافیانتان هم زیاد دیده‌اید.

بله .مردم مرا می‌بینند و می‌گویند گرگ با آدم دوست نمی‌شود، اما این گرگ‌ها دوست من شده‌اند. چه فرقی می‌کند، درست مثل حیوانات دیگر، گرگ هم یک خصوصیاتی دارد که ذاتش است، خداوند گرگ را بهتر می‌شناخته که آفریده. این‌که بین ما انسان‌ها به وحشی بودن و درنده‌خویی معروف شده شاید به خاطر ترس ما از گرگ است یا مثلا رفتارهایی که از گرگ‌ها دیده‌ایم.

یعنی شما از گرگ نمی‌ترسید؟

این‌که بگویم اصلا پیش نیامده که از گرگ‌ها بترسم دروغ است اما کاری با من نداشته‌اند و این ترس هم باعث نشده که وقتی گرسنگی و نیازشان را می‌بینم به کمک‌شان نروم.

آخرین بار کی از گرگ‌ها ترسیدید؟

همین چند شب پیش داشتم در تاریکی هوا از بالای کوه پایین می‌آمدم و چند تا قرص نانی را که باقی مانده بود، روی زمین می‌انداختم که برگشتم و پشت سرم را دیدم . چهارتا گرگ با هم دنبالم بودند که خب اولش کمی ترسیدم و حتی قدم‌هایم را هم تندتر کردم اما بعد دیدم که با من کاری ندارند و فقط نان‌هایی را که روی زمین انداخته‌ام می‌خورند.

این یعنی گرگ‌ها یک جورهایی شما را شناخته‌اند و به شما حمله نمی‌کنند؟

شاید واقعا این طور باشد، نمی‌توانم صددرصدی صحبت کنم. اما تجربه به من ثابت کرده هر موجودی محبت ببیند، دیگر دنبال آسیب رساندن نیست و همه موجودات هم در این دنیا نیاز به محبت دارند، حتی همین حیوانات وحشی. با محبت یک جورهایی رام می‌شوند. حتی خیلی وقت‌ها همشهری‌هایم به من می‌گویند که اسکندر با خودت یک سلاح ببر حتی یک سلاح سرد، شاید این گرگ‌ها به تو حمله کنند اما من حتی یک بار هم یک چاقو با خودم نبرده‌ام چون باور کرده‌ام که گرگ‌ها دوست من شده‌اند.

این دوستی به شما ثابت شده است؟

بله...من جانم را مدیون همین گرگ‌ها هستم. چند سال پیش یک بار وقتی در سرمای زمستان برای گرگ‌ها نان برده بودم و مسافت زیادی را هم از کوه بالا رفته بودم، قلبم گرفت و روی زمین افتادم. حالم اصلا خوب نبود، توان این را هم نداشتم که خودم را به پایین کوه برسانم. در همان حال بودم که یک گرگ به من نزدیک شد، کمی دور من چرخید، نان‌هایی که اطراف من روی زمین ریخته بودند را بو کشید و رفت. اما بعد از یک ربع گرگ برگشت و تنها هم نبود. او با خودش یک شکارچی را به نزدیکی من کشانده بود. آن شکارچی هم من را روی کولش به پایین کوه رساند و خدا خواست و من زنده ماندم. این کار آن گرگ، اگر اسمش دوستی نیست پس چیست؟! من اگر آنجا نجات پیدا کردم به خاطر همین لقمه نان‌هایی است که در این سال‌ها به گرگ‌ها داده بودم.

اصلا اولین بار چطور به این فکر افتادید که برای گرگ‌ها غذا ببرید، آن هم نان؟

این قضیه به روزهای نوجوانی من برمی‌گردد، آن موقع پدر من یک گله ۲۱تایی گاو داشت و من خیلی وقت‌ها این گله را برای چرا می‌بردم. همیشه هم همراهم مقداری نان به‌عنوان آذوقه راه داشتم. یک حرف پدرم از همان زمان توی گوشم است، پدرم می‌گفت هروقت خواستی برگردی نان‌های اضافه‌ات را با خودت به خانه برنگردان، یک جایی یک گوشه‌ای روی زمین بگذار، حیوانات گرسنه این نان‌ها را می‌خورند. این عادت از همان موقع در من به‌وجود آمد. تا این‌که بزرگتر که شدم ، در منطقه‌مان گله‌های گرگ را به چشم می‌دیدم، البته این قضیه برای خیلی سال پیش است که گرگ‌ها در گله‌های بزرگ در دشت اردل زندگی می‌کردند، الان دیگر سال‌هاست جمعیت‌شان کمتر شده. آن موقع می‌دیدیم که در فصل‌های سرد سال گرگ‌ها واقعا برای پیدا کردن غذا به مشکل می‌خورند، برای همین جرقه این کار از همان موقع در ذهن من زده شد و نان بردن برای گرگ‌ها شد کار همیشگی من.

تا حالا حمله گرگ‌ها را هم به یک حیوان دیگر دیده‌اید؟

بله اتفاقا تابستان سال ۶۸ بود که خودم یک گله کوچک گوسفند داشتم، یک شب گرگ به گله‌ام حمله کرد ۷ تا از گوسفندهایم را کشت و ۱۱ تا را هم زخمی کرد. همان موقع همه به من گفتند که این همان گرگی است که تو قصد دوستی با آن را داری. من هم گفتم که این گرگ قطعا گرسنه بوده و کاری که انجام داده اقتضای طبیعتش است، از همان موقع هم انگیزه‌ام برای غذا رساندن به گرگ‌ها بیشتر شد، گفتم شاید اینطوری کمتر به گله‌های مردم حمله کنند و کمتر سمت شهر و روستاها بیایند.

با این تفاسیر الان خیلی سال است که این کار را انجام می‌دهید.

بله خیلی سال، حسابش دیگر از دستم در رفته. یک دوره‌ای یادم است در هفته، یک روز برای گرگ‌ها نان می‌بردم، یک روز برای حیواناتی مثل بزکوهی و چرنده‌های دیگر، شبدر می‌بردم و یک روزهایی هم برای پرنده‌ها گندم می‌بردم.

این‌طور که معلوم است شما جزو حامیان حیوانات هستید؟

من هرکاری از دستم بربیاید برای حیوانات انجام می‌دهم ، فرقی هم نمی‌کند وحشی باشند یا اهلی. چندباری شده بزکوهی دیده‌ام که تیر خورده، زخمش را پانسمان کرده‌ام و برایش آب و غذا برده‌ام تا حالش خوب شود، یا این‌که چند بار عقاب زخمی را به خانه برده و تیمار کرده‌ام، اگر حالش خوب شده که در طبیعت رهایش کرده‌ام اما اگر حالش نامناسب و مداوایش سخت بوده تحویل محیط‌زیست اردل داده‌ام. همین قضیه چندبار هم درباره حیوانات اهلی مثل الاغ اتفاق افتاده، دوسه باری در بیابان الاغ‌هایی را دیده‌ام که زخمی و بدحال به حال خودشان رها شده بودند تا بمیرند که من برای اینها آب و آذوقه برده و زخم‌شان را تیمار کرده‌ام.

در این سال‌ها حتما شکارچی هم زیاد دیده‌اید.

بله تا دلتان بخواهد. الان که دیگر تعداد شکارچی‌ها از حیوانات بیشتر است. قبلا اینجا پر از بزکوهی بود الان دیگر چیزی نمانده ...

شما به عنوان حامی محیط‌زیست و طبیعت ، هیچوقت مانع شکارشان شده‌اید؟

به‌طور مشخص مانع‌شان نشده‌ام اما همیشه با آنها صحبت کرده‌ام تا حداقل با حرف‌هایم منصرفشان کنم، یا این‌که مثلا وقتی شکارچی‌ها حواس‌شان نبوده، لباسم را در هوا تکان داده‌ام که توجه حیوانات جلب شود و از تیررس‌شان دور شوند.

برای قانع کردن‌شان که دیگر شکار نکنند چه می‌گویید؟

از خاطرات خودم می‌گویم، مثلا یک بار دیدم که شغالی را با تیر زده‌اند، شغال پای کوه روی زمین افتاده بود و دوتا شغال دیگر دور و برش می‌چرخیدند و زمین را بو می‌کشیدند . نزدیک‌تر که شدم دیدم انگار توی چشم این شغال‌ها اشک است...آنقدر متاثر شدم که خودم هم گریه کردم. یعنی به آنها می‌گویم که این حیوانات هم احساس دارند و آفریده خدا هستند حتی اگر شغال باشند.

یک موضوع عجیب دیگر برای ما، نان خوردن گرگ‌هاست. مگر گرگ گوشتخوار نیست؟

گرگ از خانواده سگ‌سانان است، سگ‌ها نان می‌خورند، گرگ‌ها هم می‌خورند. من هم نان‌ها را در فصل زمستان و وقتی هوا سرد است و آذوقه برای گرگ‌ها کم پیدا می‌شود به کوه می‌برم و در فصول دیگر سال این کار را نمی‌کنم چون نمی‌خواهم روال طبیعی زندگی‌شان به‌هم بخورد.

این همه نان از کجا می‌آورید؟

اوایل که همسرم خودش در خانه نان فتیر می‌پخت و من هر روز این نان‌ها را به کوه می‌بردم. بعد که تصمیم گرفتم به منطقه‌های بیشتری سر بزنم، دیگر نان خانگی جواب نمی‌داد از نانوایی محله خودمان کمک می‌گیرم. یک حساب دفتری دارم که سر ماه با او حساب می‌کنم و همیشه از او نان می‌گیرم. البته مازاد نانش را، به او هم گفته‌ام که این نان‌ها خوراک گرگ‌هاست.

بیشتر چه وقت‌هایی برای غذا دادن بیرون می‌روید؟

آن روزهایی که کارمند بودم بعد از اتمام کارم، دو سه ساعتی به کوه می‌رفتم یا آخر هفته‌ها کلا یک روز کامل می‌رفتم و بذر انجیر و سنجد هم با خودم می‌بردم و در مسیرم درخت هم می‌کاشتم. الان هم که سه سالی می‌شود بازنشسته شده‌ام، بعضی روزها از ساعت ۴ عصر می‌روم تا ۸ و بعضی وقت‌ها هم از ۶ می‌روم تا ۱۱ شب.

یک همیار واقعی محیط‌زیست

اسکندر رئیسی اردلی با همه فعالیت‌های محیط‌زیستی و همه حمایت‌هایی که از حیات‌وحش کشورمان اینجا در استان چهارمحال و بختیاری داشته، هنوز برای خیلی‌ها شناخته‌شده نیست، حتی یک کارت همیاری محیط‌زیست ندارد، آن هم درحالی که خیلی‌ها با برداشتن کوچکترین قدم برای محیط‌زیست، خودشان را همه جا دوستدار و فعال محیط‌زیست اعلام می‌کنند. او اما اهل این حرف‌ها نیست و می‌گوید انگیزه‌اش برای همه این فعالیت‌ها، فقط رضای خداست: «همه ما انسان‌ها برای آخرت‌مان باید یک اندوخته داشته باشیم و اندوخته من برای آن دنیا همین کار خیر است. من تا عمرم به این دنیاست، به این وظیفه‌ای که برعهده گرفته‌ام عمل می‌کنم، چه این کار دیده شود چه نشود، چه کارت همیاری به من بدهند، چه ندهند، فقط امیدوارم بعد از من هم کسانی باشند که به فکر این حیوانات باشند و آنها را فراموش نکنند.»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۸۵۷

جدول عادی

افقی: ۱) روغن مخصوص دیفرانسیل موتور- حرکتی در ژیمناستیک ۲) واحد پول عمان- قلابی و غیرواقعی- خودخواهی ۳) افزون‌شونده- برق را از کوئل به دلکو می‌رساند- علاج کردن ۴) گوشه‌ای در دستگاه شور- جهنم- پولك ماهی ۵) گنده- از ابزار حفاری- گیاه پرشاخه- نشانه مصدر جعلی ۶) قطب مثبت- نشانی- از علوم فقهی ۷) از ادوات ورزش بدنسازی- از رنگ‌های ترکیبی- برنج پوست‌نکنده ۸) از نهادهای زیر مجموعه قوه قضاییه ۹) تیری که با کمان اندازند- معادل فارسی تیتر- درنده‌ای شبیه یوزپلنگ ۱۰) مهربان- فوت و فن- عدد ۱۱) رب‌النوع خورشید در مصر باستان- بسیار مشتاق- پول چین- میان ۱۲) بلدرچین- سوغات قمصر- ابزار و وسایل ۱۳) عریضه‌نویس- زمان تعیین‌شده برای انجام کاری- از ظروف آزمایشگاهی ۱۴) شاه ساسانی- ناپاکی- نهایی ۱۵) شهری در استان ایلام- غمگین.

عمودی: ۱) برنامه ورزشی شبکه پنج سیما- قوی ۲) کلمه پرسش- تنبل- قبیله و طایفه ۳) دیگر- شجاع و جنگجو- فرستاده خدا ۴) قسمت جلوی موشك- پاك کردن آلودگی‌های فکری و اخلاقی- تحت ۵) آژیر خطر- طولانی‌ترین رود اروپا ۶) ساخت و پاخت- غنیمت‌های جنگ- قلم انگلیسی ۷) چین و چروك پوست- محتاج غذا- بی‌کم و کاست ۸) مژده- شماتت- معطر ۹) فرورفتن خورشید در افق- پرستش خداوند- بهشت زمینی ۱۰) E- اضافه‌ها- ویژا ۱۱) اختصاص یافته- نیاکان ۱۲) میخ در گویش عرب- دومین پادشاه پیشدادی- دارای خلاقیت استثنایی ۱۳) چاك- شهری در پاکستان- قدرت و نیرو ۱۴) پذیرفته شدن- دست‌کم- تظاهر به نیکوکاری ۱۵) زیبا و مزین بودن- خیال‌پرداز و احساساتی.

جدول ویژه

افقی: ۱) فیلمی ساخته اینگمار برگمن- اسباب مخصوص جهت یابی ۲) میوه‌ای آبدار- کوشش و فعالیت- سراینده ۳) کلفت و ضخیم- زعفران- هم‌سالان ۴) هدیه- دورگه- گوژپشت ۵) گله و شکایت مداوم- کامیاب- داد و فریاد- ضربه سر در فوتبال ۶) حسرت و اندوه- نام قدیم تایلند- پارچه ۷) عالم ماده- نایب‌السلطنه- بیان کردن ۸) فیلمی ساخته بهرام بیضایی با بازی مژده شمسایی ۹) بازیگر رزمی کار فیلم معبد شائولین- هدیه دادن- نامربوط ۱۰) زین و برگ اسب- بدگویی- پرنده بخت و اقبال ۱۱) مذکر- ابزار لحیم‌کاری- آهسته- زمین آذری ۱۲) پلاستیك اسفنجی سبك- زمان آغازین- خوب و پسندیده ۱۳) حرکت باد- لکنت زبان- حیله‌گر ۱۴) گروی- اسید نیتریك- بیماری کم‌خونی ۱۵) گل زیبای پاییزی- سرزمینی که از سه طرف به آب و از یك طرف به خشکی راه دارد.

عمودی: ۱) خانواده‌ای از پستانداران گوشتخوار- کارگردان آمریکایی فیلم خوشه‌های خشم ۲) هنر فرنگی- سنگدلی- ایام ۳) سگ ماهی- بسیار کوچك- بهشت ۴) بزرگداشت- راه و روش- موجود خیالی ۵) رفاقت- وقت و هنگام ۶) تحلیل رفتن یك سلول- نمایشنامه‌ای مذهبی به قلم علی موذنی- چای خارجی ۷) شهری در مازندران- زاویه ۹۰ درجه- وجود ۸) خدمتکار پیر- ویران‌شده- معادل فارسی حمله ۹) بادبزن برقی- زورگیری- تحمل ۱۰) ضمیر سوم شخص- توأمان- قهرمان انقلابی زیمبابوه ۱۱) نوشیدنی- جریان سیل‌آسای رودخانه ۱۲) پرستش- ورزشی با توپ بیضی- پایتخت کریم‌خان زند ۱۳) مالك- سومین مرحله زندگی دگردیسی- نوزاد ۱۴) بازگرداندن- سرتاسر- گذرگاه ۱۵) محاصره- بنای آرامگاهی امام محمد غزالی در شهر توس.

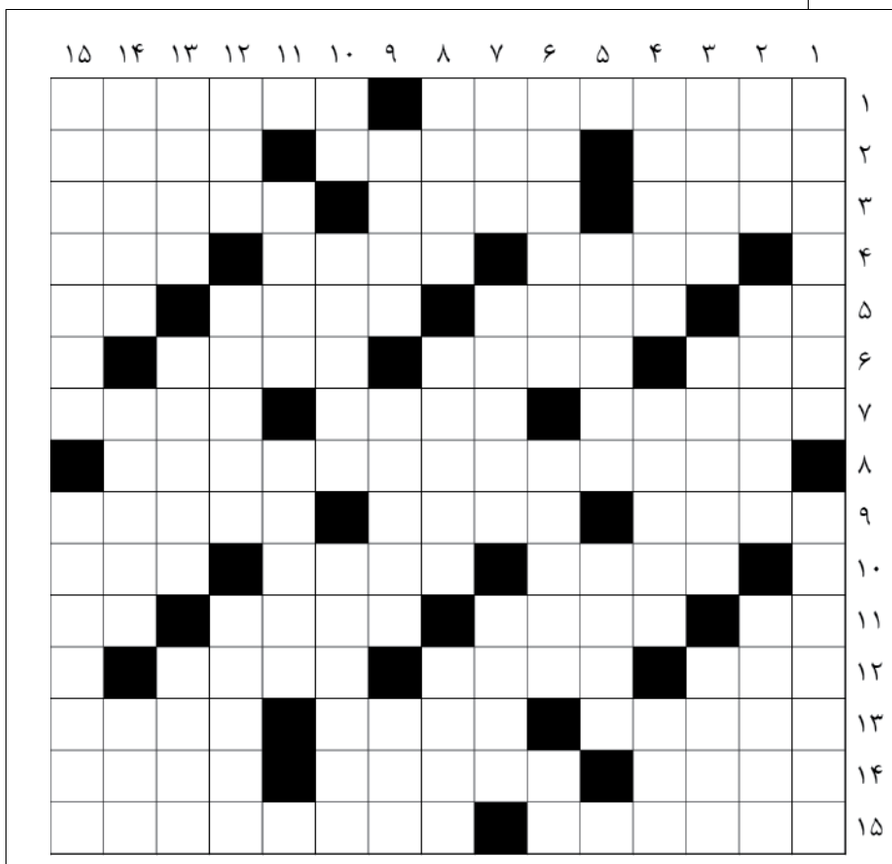

حل جدول عادی شماره ۵۸۵۶

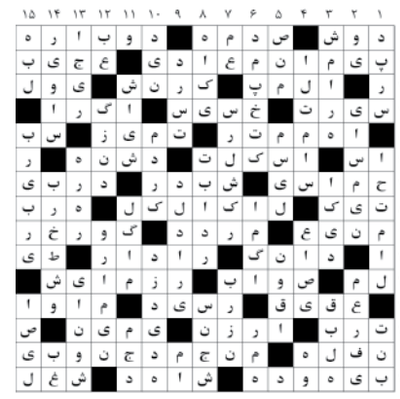
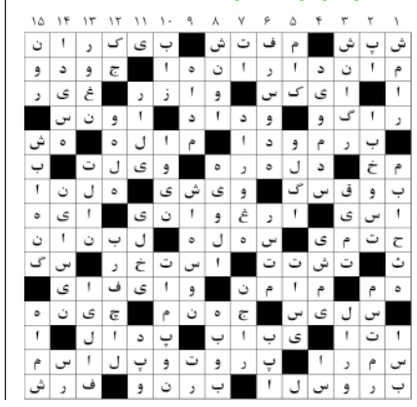
حل جدول ویژه شماره ۵۸۵۶